**انقلاب و پروسه کسب قدرت سیاسی توسط حزب کمونیست کارگری**

پاسخ به سوالات یک دوست:‌

آقای کریمی عزیز خسته نباشید. من از طرفداران قدیمی حزب هستم. ولی الان چند وقتی است که مسائلی در مورد حزب ذهن مرا مشغول کرده و نیاز دارم که به من پاسخ بدین لطفا. سوالات من اینها است: رویکرد این حزب به کسب قدرت سیاسی چیست؟ آیا برنامه حزب شکل گیری دولت موقت بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی و برگزاری انتخابات آزاد و پیروزی حزب در انتخابات است؟ اگر نه طی چه پروسه ای قرار است که این حزب به قدرت سیاسی برسه؟ بدون انتخابات و از طریق مسلحانه یا چیزی شبیه به این؟ چطور ممکن است که این حزب به آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادی همه احزاب باور داشته باشد و آن را در برنامه خود بگنجاند و در عین حال رویکردش به کسب قدرت سیاسی از رهگذر انتخابات آزاد با مشارکت آزاد و برابر همه احزاب نباشد؟

فقط تاکید من بر این است که اگر شما آزادی همه احزاب را قبول دارید و همه احزاب را به رسمیت میشناسید پس باید در دوره سرنگونی نظام حاضر یعنی در فاصله بعد از سقوط این نظام و تشکیل نظام بعدی هم آزادی و مشارکت سیاسی آنها را بپذیرید و حتی در این راه یعنی آزادی همه احزاب تلاش هم بکنید پس منطقا شما باید شکل گیری یک قدرت جدید متشکل از همه احزاب را قبول داشته باشید چون هنوز نظام جدید تعیین نشده و اکثریت جامعه نظام جدید را انتخاب نکرده و طبق اصول شما آزادی احزاب باید در درجه اول شکل بگیرد و این یعنی شکل گیری یک دولت موقت و منطقا هر گزینه دیگری محال است و دچار تناقض میشود. پس شما نباید مخالف دولت موقت باشید چون فقط با یک دولت موقت است که حزب شما و بقیه احزاب می توانید تا تعیین نظام آینده آزادانه فعالیت کنید و رای جمع کنید. مگر گزینه دیگری هم هست؟

دوست گرامی

سوالات شما اگر درست متوجه شده باشم حول این سه نکته است:‌

آزادی بی قید و شرط سیاسی و آزادی همه احزاب

تشکیل دولت موقت و انتخابات آزاد

و مشارکت آزاد همه احزاب در دولت

سعی میکنم این نکات را باز کنم و در عین حال تصویر خودم را از احتمالات دوره سرنگونی و نحوه شکل گیری قدرت بعدی توضیح بدهم. هرچند احتمالات دوره سرنگونی مورد سوال شما نبود اما شاید این توضیحات کمک کند که پاسخ به سوالات شما روشن تر بشود.

۱ـ آزادی بی قید و شرط سیاسی که حزب کمونیست کارگری از بدو تشکیل بر آن پافشاری کرده و در برنامه یک دنیای بهتر بر آن تاکید کرده است،‌ به معنی این است که هر فرد و هر حزب و سازمانی بدون قید و شرط از آزادی بیان و عقیده و فعالیت سیاسی و تظاهرات و مطبوعات برخوردار است. صرفنظر از اینکه حزب و یا گروهی بخواهد در قدرت باشد یا نباشد، بزرگ باشد یا کوچک، محلی باشد یا سراسری و صرفنظر از اینکه نمایندگانش در انتخابات رای بیاورند یا نیاورند و شریک قدرت باشد یا نباشد، باید از حق آزادی بی قید و شرط سیاسی برخوردار باشد و دولت حق کوچکترین محدودیتی در این زمینه ندارد. بنابراین این مساله از نظر ما کاملا روشن است نه اما و اگر دارد و نه باید با فاکتور دیگری مشروط شود. کاش یک حزب بورژوایی هم از هم اکنون بی قید و شرط بودن آزادی بیان و عقیده و اعتراض و اعتصاب و تشکل و تحزب را میپذیرفت.

۲ـ اینکه حزب از طریق مبارزه مسلحانه یا انتخابات به قدرت میرسد موضوعی باز است. نه مردم و نه ما اصراری بر مبارزه مسلحانه نداریم ولی امکان زیادی دارد که بدلیل سبعیت حکومت علیه مردم، این شکل از مبارزه نیز در دستور قرار گیرد. اما این تنها شکل کسب قدرت نیست. اینکه چه جریان یا چه جریاناتی قدرت بگیرند و پس از سرنگونی حکومت، حکومت موقت تشکیل دهند تماما بستگی به این دارد که در پروسه سرنگونی، احزاب و جریانات مختلف چه جایگاهی در رهبری انقلاب کسب میکنند. ممکن است یک جریان هژمونی داشته باشد و قدرت موقت را هم تشکیل بدهد و بعد رفراندم بگذارد که در اینصورت همان جریان در انتخابات هم بیشترین آرا را بدست خواهد آورد. این یکی از احتمالات است. با اینهمه ممکن است جریانات متعددی در انقلاب که محتمل ترین راه سرنگونی حکومت است، نقش رهبری داشته باشند و در نتیجه هرکدام از آنها در دولت موقت نقش خواهند داشت. اما رقابت احزاب سیاسی با سرنگونی پایان نمیگیرد و قطب بندی سیاسی و رقابت سیاسی تشدید میشود. اگر مردم در پروسه سرنگونی بین راست و چپ،‌ چپ را انتخاب کنند، در اینصورت حزب کمونیست کارگری این شانس را دارد که نقش تعیین کننده ای در رهبری انقلاب داشته باشد و در چنین صورتی در اولین دولتی که تشکیل میشود سهم اصلی را خواهد داشت.

نکته مهم دیگر این است که ما تلاش میکنیم در جریان سرنگونی و بویژه بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، سریعا شوراهای مردم تشکیل شوند و حکومت بصورت شورایی اداره شود. گرایش به دخالت مستقیم آحاد مردم در سرنوشت خود تنها از طریق حاکمیت شورایی عملی میشود و این گرایش عمیقا در جامعه وجود دارد. بطور واقعی مردم از اینکه در تصمیمات مربوط به زندگی خود دخالتی ندارند و به حساب نمیایند خسته اند و خواهان بیشترین دخالت در امور هستند. حکومت شورایی تنها شکلی از حکومت است که به این نیاز مهم مردم جواب میدهد. حکومت شورایی در عین حال تضمین کننده عمیق ترین شکل آزادی های سیاسی است. در هزاران شورا که در محلات شهرها و مراکز کار و دانشگاهها و غیره ایجاد میشود، مردم افراد مورد اعتماد خود را که خواست های آنها را نمایندگی کنند انتخاب میکنند. هر کس حق دارد و میتواند کاندید شود و برنامه خود را تبلیغ کند و منتخبین مردم میتوانند از احزاب و طیف های مختلف سیاسی باشند. از نمایندگان شوراهای محل شورای شهر و از نمایندگان شوراهای شهرها شوراهای استانها و سرانجام شورای سراسری، ارگان اداره جامعه خواهد بود و از طیف های مختلف جامعه و از جریانات مختلف سیاسی متناسب با نفوذ آنها و طول و عرضشان در رهبری شوراهای محل و شهر و کشور حضور خواهند داشت همینطور از افراد مورد اعتماد مردم که الزاما به حزب و سازمانی وابستگی ندارند. با اینهمه در این صورت هم جریان و حزب و خط خاصی هژمونی سیاسی و برنامه ای خواهد داشت. در سیستم شورایی در ایران امروز تردیدی نیست که انتخاب مردم چپ خواهد بود و افراد و جریاناتی که خواست های عمیق اکثریت توده مردم را در زمینه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نمایندگی کنند، کاندیدهایشان بیشترین رای را خواهند آورد.

۳ـ احزاب سیاسی همانطور که توضیح دادم باید آزادی کامل فعالیت سیاسی داشته باشند اما آیا این به معنای این است که حضور آنها در حکومت بعدی تضمین شده است؟ همانطور که اشاره کردم این بستگی به طول و عرض و میزان نفوذ آنها دارد. ممکن است در قدرت مشارکت داشته باشند، ممکن است مشارکت قوی یا ضعیفی داشته باشند و یا اصلا مشارکتی نداشته باشند. ولی این یک حزب معین نیست که مشارکت دیگران را میپذیرد یا نه. آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی باید برای همه مردم وجود داشته باشد تا بتوانند مواضع خود را در میان مردم آزادانه تبلیغ کنند و شانس خود را بیازمایند. به این معنی آزادی برای همه یکسان و برابر خواهد بود اما میزان مشارکت برابر نخواهد بود.

۴ ـ نکته مهم دیگر این است که در دوره کوتاه پس از سرنگونی حکومت، میزان نفوذ و مشارکت جریانات مختلف مدام تغییر خواهد کرد. پارلمانی به سبک دمکراسی های بورژوایی انتخاب نمیشود که برای مثلا چهار سال قدرت را در دست داشته باشد. اولا دوره ای طول میکشد که ثبات سیاسی ایجاد شود و ثانیا اگر جامعه چپ را انتخاب کرده باشد و حکومت بصورت شورایی اداره شود، انتخابات به شکل بورژوایی برای یک دوره چند ساله نخواهد بود. در شوراها مردم هرگاه احساس کنند نماینده ای آنها را نمایندگی نمیکند لازم نیست چهار سال صبر کنند تا نماینده دیگری انتخاب کنند. در اولین جلسه شورا میتوانند نماینده یا نمایندگانی را از مسئولیت حذف و نمایندگان جدیدی به جای آنها انتخاب کنند.

۵ ـ نکته دیگری در این زمینه لازم به توضیح است و آن اینکه در پروسه انقلاب که توده های وسیع شهروندان به میدان میایند، و با توجه به وجود رادیکالیسم قوی در جامعه و در جنیش های اعتراضی فضا بیشتر و بیشتر به چپ میچرخد و یک جریان کمونیستی مثل حزب کمونیست کارگری میتواند با سرعتی انفجاری رشد کند. انقلاب در ایران در پروسه پیشروی خود زمینه را برای چپ بیشتر فراهم میکند. جریانات دست راستی طرفدار انقلاب و به میدان آمدن توده های میلیونی کارگران و مردم نیستند. طرفدار درهم شکستن ارگان های سرکوب حکومت نیستند. هرچند برایشان ساده نیست در مقابل انقلاب قرار گیرند اما در تندپیچ های مختلف سعی میکنند نقاط سازشی پیدا کنند که انقلاب خاتمه پیدا کند و با بند و بست از جمله با بند و بست با بخشی از حکومت یا حاشیه حکومت و با بخشی از نیروهای سرکوب به قدرت برسند. اما توفان انقلاب قدرتمندتر از آن است که اجازه چنین سازشهایی را بدهد. آنها در زمینه های مختلف سازش میکنند در زمینه مذهب، درمورد ارگانهای سرکوب، قوانین ارتجاعی، حفظ سرمایه داری و تدادم وضعیت فلاکتبار مردم و غیره. هیچ جریان بورژوایی در ایران حتی یک سکولار به تمام معنی هم نیست، خواهان پایان دادن به دخالت مذهب در زندگی مردم نیست، با بخشی از روحانیت میسازد، سعی میکند مذهب کمترین آسیب را ببیند و در نتیجه در مقابل مردم قرار میگیرد. چه رسد به مطالبات اقتصادی که از همان ابتدا در مقابل خواست های کارگران و مردم می ایستد. حول همه اینها جامعه سریعا قطبی میشود و اگر در فاز اول، جنبش های مختلف راست و چپ در قدرت شریک شوند، با توجه به وجود گرایش قوی کمونیستی، میزان تجربه و آگاهی سیاسی بالای مردم، نقش مهمی که جنبش کارگری و رهبران کارگری خواهند داشت، با توجه به طیف وسیعی از فعالین جنبش های اجتماعی رادیکال، بدلیل گرایش وسیع و آگاه انساندوستی، مساوات طلبی و آزادیخواهی و مدرنیسم، و از طرفی ناتوانی جریانات راست در پاسخگویی به مطالبات اساسی مردم، این جریانات در پروسه ای چند ماهه ضعیف و ضعیف تر میشوند. جامعه ای که انقلاب کرده و آزادی های سیاسی و آزادی اعتراض و اعتصاب و فعالیت سیاسی را کسب کرده و اعدام و شکنجه را لغو کرده است، در ایستگاه اول پس از سرنگونی متوقف نمیشود. مردم بیشترین آزادی را میخواهند و کارگران و اکثریت جامعه یک زندگی مرفه و انسانی میخواهد و اینبار اینقدر آمادگی در جامعه هست، اینقدر اردوی چپ جامعه قدرتمند و مجرب و سازمانیافته هست که تسلیم سازش ها و تداوم وضع گذشته نشود و با قدرت برای تحقق خواست های خود به مبارزه ادامه میدهد. اینبار کارگر این پتانسیل را دارد که در صحنه بماند، شوراهایش را سازمان یدهد،‌ در ابعاد سراسری متشکل شود، کرور کرور به حزبش بپیوندد و انقلاب را تا انتهای خود پیش ببرد. دست به مالکیت ببرد و به حاکمیت سرمایه پایان بدهد تا مطالبات اقتصادی خود را متحقق کند. در نتیجه انقلاب اجتماعی پس از سرنگونی ادامه پیدا میکند و تعمیق میشود و تحزب کمونیستی نیز پابپای این تحول در ابعادی اجتماعی وسعت می یابد.

ممکن است گفته شود در سال ۵۷ هم انقلابی توفنده در جریان بود اما به طرف چپ نرفت و راست ترین جریان سیاسی قدرت را گرفت. اما اولا در انقلاب ۵۷ نیز بعد از سرنگونی حکومت شاه تازه انقلاب میرفت که رادیکال تر و عمیق تر شود، اعتصابات شروع به گسترش کرده بود، اعتراضات دانشجویی وسعت گرفته بود،‌ کمونیسم بسرعت در حال رشد بود، زنان در ابعادی وسیع داشتند به میدان میامدند و مردم در کردستان و ترکمن صحرا و ... شروع کرده بودند به متشکل شدن و ارتجاع اسلامی را عقب راندن اما بدلیل ضعف های تاریخی خود و مشخصا بدلیل فقدان تحزب کمونیستی نتوانست به یک پای قدرت تبدیل شود و سرکوب های سال ۶۰ به بعد این روند را قیچی کرد. ثانیا ایران ۹۶ با ایران ۵۷ مطلقا قابل مقایسه نیست. تجربه سیاسی مردم، میزان آگاهی و تشکل در میان مردم، وجود یک جنبش کارگری نسبتا پیشرفته با هزاران رهبر مجرب و رادیکال که در جریانات اعتصابات و اعتراضات سال های گذشته مدام شاهد عرض اندام آنها بوده ایم، وجود یک چپ اجتماعی قدرتمند و یک حزب کمونیستی کارگری با برنامه روشن و نفوذ قابل توجه، قابل مقایسه با سال ۵۷ نیست. خیزش دیماه نشان داد که جامعه چگونه از جنبش ملی اسلامی عبور کرده و یک نیروی مهم راست و بورژوایی را پشت سر گذاشته و مرزهای عمیق و روشن خود را با آن ترسیم کرده است در حالیکه در سال ۵۷ حتی غالب جریانات چپ نیز به شدت به ناسیونالیسم و مذهب آلوده بودند و اساسا تحت نفوذ فکری و سیاسی جریانات ملی اسلامی بودند. خیزش دیماه نشان داد که اوضاع به سمت انقلابی بسیار وسیع و اجتماعی پیش میرود که ارگان های سرکوب را در هم میشکند، و نقطه سازشی با ارگانهای سرکوب و ماشین قدرت نخواهد داشت. حتی در سال ۵۷ نیز علیرغم اینکه خمینی و شرکا خواهان قیام و در هم شکستن ماشین سرکوب را نداشتند،‌ با اینهمه مردم دست به قیام زدند و ارگان های سرکوب را تا توانستند در هم شکستند و برای خود دو سال و نیم وقت خریدند که جریان اسلامی نتواند بلافاصله خود را تثبیت کند. اینبار فاکتورهای زیادی به نفع کارگر و زحمتکش و به نفع چپ و کمونیسم عمل میکند. اینبار انقلاب به مراتب رادیکال تر، روشن تر، و سازش ناپذیرتر خواهد بود جنبش های مختلف اجتماعی با مطالبات روشن در سالهای گذشته شکل گرفته و چهره های شناخته شده و با تجربه تی در این جنبش های به جلو آمده اند که یکپای مهم تحولات هستند و کمونیسم در چنین شرایطی این ظرفیت را دارد که بطور انفجاری رشد کند که نه تنها قابل سرکوب و حذف نباشد بلکه ازهمان روز اول سهم قابل توجهی در قدرت سیاسی داشته باشد. و در چنین شرایطی برنامه کمونیستی که متضمن تحقق خواست های عمیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی اکثریت جامعه است مقبولیت تعیین کننده خواهد یافت. اینبار کمونیسم کارگری شانس زیادی برای تبدیل شدن به یک حرکت اجتماعی قدرتمند در دل تحولات سیاسی خواهد داشت. اینرا هم باید اضافه کرد که اوضاع در ایران بسیار پیچیده تر از همیشه است. بسیار پیچیده تر از دوره انقلاب ۵۷ است. نه مردم خوشباوری و نپختگی سال ۵۷ را دارند و نه به سادگی رهبری واحدی در کل جامعه شکل میگیرد. هر کدام از جنبش های مختلف تلاش میکنند نظام سیاسی خود را جلو ببرند. آلترناتیوهای مختلفی فی الحال در جامعه حضور دارند و با پیشروی انقلاب، جدال واقعى ميان اين آلترناتيوها و جنبشهاى طبقاتى مختلف اوج ميگيرد. به این معنی اوضاع پیچیدگی بسیار بیشتری نسبت به دوره انقلاب ۵۷ وجود دارد. علیرغم همه اینها با توجه به فاکتورهایی که برشمردم در دل این اوضاع پیچیده جریانی مثل حزب کمونیست کارگری این پتانسیل را دارد که که حتی اگر در شروع تحولات نقش تعیین کننده ای نداشته باشد در یک پروسه چندماهه توجه و رای اکثریت مردم را بدست آورد و در راس تحولات سیاسی قرار گیرد و مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را به کمک شوراهایی که وسیعا پس از سرنگونی شدر جامعه تشکیل میشود، به یک انقلاب اجتماعی فروبرویاند.

امیدوارم دوست گرامی جواب سوالاتتان را داده باشم. همانطور که در ابتدا اشاره کردم به بهانه سوالات شما،‌ نکات بیشتری را توضیح دادم. بسیار خوشحال میشوم نظرتان را بنویسید و در صورت لزوم مکاتبه را ادامه بدهیم.